



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال هفتم، شماره‌ی ۱۳، نیمه‌ی اول ۱۳۹۱

بررسی تأثیر هم‌زمان تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)

محمدعلی متفکرآزاد*

سکینه سجودی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۲۰

چکیده

مطالعات تجربی فراوانی بر نقش حیاتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ایجاد رشد اقتصادی تأکید کرده‌اند. مطالعه‌ی حاضر به بررسی اثر هم‌زمان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) پرداخته است. به عبارت دیگر، این مطالعه به آزمون فرضیه‌ی بگواتی که براساس آن با افزایش درجه‌ی آزادی تجاری تأثیر مثبت FDI بر رشد اقتصادی تقویت می‌شود، در میان این کشورها پرداخته است. برای این منظور، با استفاده از اطلاعات آماری ۳۴ کشور عضو OIC، در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۹ و با به‌کارگیری روش پنل دیتا، تابع تولید این کشورها تخمین زده شده است. نتایج نشان دهنده‌ی اثر هم‌زمان مثبت از FDI و درجه‌ی باز بودن تجاری به رشد اقتصادی کشورهای نمونه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آزادی تجاری، رشد اقتصادی، داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: F10, F14, F21, O11, O40

* نویسنده مسئول - دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تبریز sakinehsojoodi@gmail.com

۱- مقدمه

با وجود این که کشورهای اسلامی حدود سه چهارم ذخایر شناخته شده ی نفت و پنجاه درصد ذخایر اثبات شده ی گاز جهان را در اختیار دارند و از موهبت ها و توانایی های بالقوه ی فراوانی برخوردارند، متأسفانه اکثر این کشورها دارای موقعیت اقتصادی مناسبی نیستند و رشد اقتصادی و درآمد سرانه ی بسیار پایینی دارند. یکی از دلایل عدم رشد اقتصادی کافی و مستمر کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، کافی نبودن سرمایه های داخلی برای دستیابی به سطح مطلوب سرمایه گذاری عنوان شده است. به عقیده ی برخی صاحب نظران سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۱ (FDI) می تواند به حل این مشکل کمک کند، به گونه ای که علاوه بر انتقال سرمایه های مالی به کشورهای در حال توسعه و جبران شکاف پس انداز-سرمایه گذاری در این کشورها، در صورت فراهم شدن شرایط و زمینه های لازم، می تواند از طریق افزایش فرصت های شغلی، ارتقای کیفیت تولیدات و افزایش قدرت رقابت و توان صادراتی کشور میزبان و هم چنین امکان انتقال و توسعه ی فناوری و مهارت های مدیریتی به تسهیل فرایند رشد اقتصادی منجر شود. در دهه های اخیر مخصوصاً از دهه ی ۱۹۸۰ به بعد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله چین، کره، سنگاپور، هنگ کنگ و چندین کشور جنوب شرق آسیا، با آزادسازی تدریجی تجاری و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی توانسته اند به رشد اقتصادی چشم گیری دست یابند. به گزارش کنفرانس تجارت و توسعه ی ملل متحد (آنکتاد) سهم کشورهای در حال توسعه از جریان FDI جهانی از ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۳ درصد در سال ۲۰۰۹ رسیده است، این در حالی است که ۵۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و سیصد هزار نفر (حدود ۲۳ درصد جمعیت جهان) در سال ۲۰۰۹ تنها ۵/۸ درصد از جریان FDI جهانی را به خود اختصاص داده اند؛ به گونه ای که مجموع سرمایه گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته در کل این کشورها در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سرمایه گذاری انجام یافته در برخی از کشورهای صنعتی ناچیز بوده است (جدول شماره شماره ی یک). اگرچه جذب سرمایه های خارجی برای کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته ی اسلامی می تواند مفید باشد، باید توجه کرد که

1-Foreign Direct Investment(FDI)

دستیابی به حجم بالای FDI و بهره گیری از منافع بالقوه‌ی FDI نیازمند رفع محدودیت های موجود برای این کشورها در عرصه‌ی اقتصاد جهانی و بسترسازی و ایجاد محیط اقتصادی مناسب آن است. وجود محیط تجاری آزاد و امکان دسترسی آسان این کشورها به بازار و هم چنین کارایی بازارهای جهانی از جمله مهم ترین پیش شرط های لازم برای جذب و اثربخشی سرمایه های خارجی شمرده می شود. وجود بازارهای بسته و دور از رقابت بین المللی در کشور میزبان، از یک سو باعث از بین رفتن انگیزه‌ی بنگاه های خارجی برای انتقال تکنولوژی و توسعه‌ی مهارت نیروی کار داخلی می شود، و از سوی دیگر انگیزه‌ی بنگاه های داخلی را برای ارتقای سطح کیفی تولیدات داخلی از بین می برد (بالاسوبرامانیام^۱، ۲۰۰۱). این مطالعه در پی پاسخ گویی به این سؤال است که آیا افزایش تجارت خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی می تواند در تقویت اثر FDI بر رشد اقتصادی این کشورها مفید باشد یا نه؟

جدول شماره شماره‌ی یک - جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی

در سال ۲۰۰۹ میلادی (میلیارد دلار)

۶۵	۳۴ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی
۶۰	فرانسه
۴۶	انگلستان
۱۳۰	آمریکا
۲۳	استرالیا
۹۵	چین
۴۹	هنک کنگ

منبع: آکتنداد، گزارش سرمایه گذاری جهانی^۲ (۲۰۱۰)

1-Balasubramanyam

2-UNCTAD, WIR(2010)

۲- پژوهش های مربوط به موضوع

۲-۱- اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی

تا دهه ی ۱۹۷۰، تحلیل های مربوط به رشد اقتصادی براساس مدل های رشد نئوکلاسیکی که رشد را نتیجه ی انباشت نهاده های تولید همراه با بازدهی کاهنده معرفی می کردند، انجام می گرفت. در مدل های نئوکلاسیک، انباشت نهاده ها به دلیل وجود بازدهی نزولی، به ایجاد رشد اقتصادی بلند مدت قادر نبود و در این مدل ها تنها عوامل برونزایی مانند پیشرفت تکنولوژی و رشد جمعیت باعث ایجاد رشد پایدار می شدند (سولو^۱، ۱۹۵۷). در مدل های رشد نئوکلاسیک، FDI از طریق انتقال سرمایه و تحت تأثیر قرار دادن متغیرهای زیر تنها باعث افزایش سطح تولید و اشتغال می شود: الف- افزایش موجودی سرمایه ی داخلی کشورمیزبان: ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی از طریق ایجاد رونق اقتصادی، سرمایه گذاری داخلی را بر می انگیزاند و به انباشت موجودی سرمایه ی داخلی می انجامد (چاو و زنگ^۲، ۲۰۰۱).

ب- افزایش اشتغال: ورود سرمایه های خارجی در قالب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان باعث افزایش تقاضا برای نیروی کار و در نتیجه افزایش سطح اشتغال می شود (لیپسی^۳، ۲۰۰۳).

ج- افزایش پس انداز: سرمایه گذاری مستقیم خارجی مکمل پس اندازهای داخلی است و شکاف پس انداز- سرمایه گذاری را در کشورهای در حال توسعه کاهش می دهد و باعث افزایش سطح تولید می شود (چنری و استروت^۴، ۱۹۶۶؛ تیلور^۵، ۱۹۹۴).

د- افزایش درآمدهای مالیاتی: حضور بنگاه های چند ملیتی در قالب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه باعث می شود که این کشورها به منابع مالیاتی جدیدی دست یابند و شکاف درآمدهای مالیاتی پیش بینی شده و تحقق یافته را از این طریق جبران نمایند (لانگدون^۶، ۱۹۸۱، ص ۶۰).

1-Solow

2-Chow & Zeng

3-Lipsey

4-Chenery & Strout

5-Taylor

6-Langdon

ه- افزایش درآمدهای ارزی: بیشتر کشورهای در حال توسعه با کمبود درآمدهای ناشی از صادرات برای تأمین مخارج واردات مواجه هستند. ورود FDI به این کشورها می تواند وسیله‌ی مناسبی برای جبران این کسری و ایجاد بهبود در تراز تجاری آن ها باشد (چنری و استروت، ۱۹۶۶؛ تیلور، ۱۹۹۴).

از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد تحقیقات مربوط به رشد اقتصادی به طور گسترده‌ای در جهت درک و درونی کردن پیشرفت تکنولوژی متمرکز گردید که حاصل این مطالعات، ظهور تئوری رشد درونزا بود. در تئوری جدید رشد یا تئوری رشد درونزا، مهم ترین عامل ایجاد رشد اقتصادی انباشت نهاده‌ای به نام دانش^۱ به شمار می رود. انباشت این نهاده برخلاف نهاده‌های فیزیکی دارای بازدهی فزاینده است و وجود یک رشد بلند مدت و پایدار را تضمین می کند (رومر^۲، ۱۹۸۶). به عقیده‌ی برخی محققان اگرچه مهم ترین منبع ایجاد دانش در یک اقتصاد، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مربوط به تحقیق و توسعه^۳ (R&D) و سرمایه‌گذاری برای انباشت سرمایه‌ی انسانی است، در کشورهای در حال توسعه، اقتباس و انتقال تکنولوژی از کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی روش کم هزینه‌تری برای دستیابی به دانش جدید می‌باشد (بلوم اشتروم و کوکو^۴، ۲۰۰۳). در تئوری‌های رشد درونزا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر سطح تولید از طریق انتقال تکنولوژی به کشور میزبان باعث ایجاد رشد اقتصادی بلند مدت نیز می‌شود. شرکت‌های چند ملیتی که سهم عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های R&D جهان را به خود اختصاص داده اند و جدیدترین تکنولوژی روز دنیا را در اختیار دارند (هالوارد^۵، ۲۰۰۱)، اگر بخواهند می‌توانند مهم ترین منبع انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه به شمار روند. اگرچه ممکن است تکنولوژی انتقال یافته توسط FDI به کشور میزبان به طور مستقیم در اختیار بنگاه‌های محلی قرار نگیرد، حضور شرکت‌های چند ملیتی در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند از طریق اثرات سرریز و پی آمدهای خارجی سطح R&D و سرمایه‌ی انسانی کشور میزبان را متأثر کند. به لحاظ

1- Knowledge

2-Romer

3- Research and Decelopment

4-Blomstrom & Kokko

5-Halward

نظری انتقال تکنولوژی توسط FDI به دو طریق سطح سرمایه‌گذاری در R&D کشور میزبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

الف- با توجه به شکاف تکنولوژی موجود بین کشور میزبان و کشورهای صنعتی که عمده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های خارجی را انجام می‌دهند، بنگاه‌های محلی برای اقتباس و نسخه‌برداری از تکنولوژی بنگاه‌های خارجی و به کار بستن آن در فرایند تولید باید تکنولوژی تولید خود را تا یک سطح معینی ارتقا بخشند. همین امر به سرمایه‌گذاری بیشتر بنگاه‌های محلی در فعالیت‌های R&D می‌انجامد (کاتراک^۱، ۱۹۸۵).

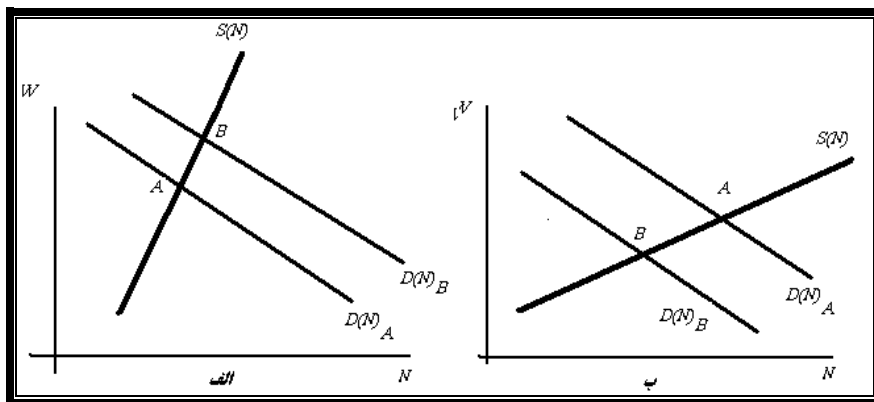
ب- حضور بنگاه‌های چند ملیتی در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یک کشور، باعث می‌شود که بنگاه‌های محلی برای حفظ قدرت رقابت خود در پی افزایش کیفیت محصولات و کاهش هزینه‌ی تولید برآیند. بنابراین به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه اقدام می‌کنند (کاوز^۲، ۱۹۷۴).

علاوه بر افزایش مخارج R&D، انتقال تکنولوژی جدید از سوی شرکت‌های چند ملیتی به کشور میزبان باعث اتخاذ روش‌هایی در فرایند تولید می‌شود که نیازمند نیروی کار ماهرتر است. این تغییر در روش‌های تولید باعث افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر و متعاقب آن کاهش تقاضا برای نیروی کار ساده یا غیر ماهر می‌شود. با توجه به این که در این کشورها عرضه‌ی نیروی کار ماهر در کوتاه مدت کم‌کشش یا حتی بی‌کشش است، افزایش تقاضا برای آن باعث افزایش سطح دستمزد نسبی نیروی ماهر به غیر ماهر می‌شود (نمودار شماره‌ی یک). افزایش نسبی سطح دستمزد نیروی کار ماهر باعث افزایش ارزش حال بازدهی انتظاری تحصیل و مهارت‌آموزی می‌شود، بنابراین کارگران را به سرمایه‌گذاری بیشتر در امر آموزش و تحصیل ترغیب می‌کند (راموس^۳، ۲۰۰۱).

1-Katruk

2-Caves

3-Ramos



نمودار شماره ی یک - الف - بازار نیروی کار ماهر قبل (A) و بعد (B) از ورود FDI -
 ب - بازار نیروی کار ساده قبل (A) و بعد (B) از ورود FDI

منبع: راموس، ۲۰۰۱

S(N): عرضه نیروی کار

D(N): تقاضای نیروی کار

W: سطح دستمزد

N: سطح اشتغال

البته یادآوری این نکته مهم است که تحقق این مبانی نظری در عمل به سهولت بیان نظری آن ها نیست و ساختار، قواعد و عملکرد اقتصاد جهانی و نهادهای آن شرایط پیچیده ای را به وجود می آورد.

۲-۲- تجارت خارجی و اثر FDI بر رشد

مطالعات تجربی انجام گرفته در زمینه ی تأثیر FDI بر رشد اقتصادی، نتایج متفاوت و متناقضی داشته است. اگرچه بخشی از این تناقضات به دلیل استفاده از روش های اقتصادسنجی مختلف و تفاوت در نمونه های مورد مطالعه می باشد، بخش اعظم این تفاوت ها به این دلیل است که اثر FDI بر رشد اقتصادی شدیداً به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور میزبان وابسته است. ویژگی هایی هم چون سطح رشد اقتصادی کشور میزبان (بلوم اشتروم و همکاران^۱، ۱۹۹۴)، موجودی سرمایه ی

1-Blomstrom et al

انسانی کشور میزبان (برونزترین و همکاران^۱، ۱۹۹۸)، میزان توسعه یافتگی بازارهای مالی کشور میزبان (آلفارو و همکاران^۲، ۲۰۰۴) و میزان آزادی تجاری کشور میزبان (بالاسو برامانیام و همکاران^۳، ۱۹۹۶) از مهم ترین عوامل اقتصادی هستند که می توانند بر میزان اثرگذاری FDI بر رشد اقتصادی کشور میزبان مؤثر باشند.

بگواتی^۴ (۱۹۸۵) فرضیه ی مشهوری را بنیان نهاد که بر اساس آن حجم و اثرگذاری سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی، وابسته به سیاست تجاری اتخاذ شده در کشور میزبان است. بر اساس این فرضیه، زمانی که کشور میزبان سیاست توسعه ی صادرات^۵ (EP) را دنبال می کند، احتمال جذب و هم چنین اثر بخشی FDI بیش از زمانی خواهد بود که سیاست تجاری بر اساس جایگزینی واردات (IS) تنظیم می شود. سؤالی که این جا مطرح می شود این است که چرا وجود محیط تجاری باز اثر بخشی FDI را افزایش می دهد؟ بر اساس تئوری سنتی تجارت بین الملل، تجارت آزاد یک بازی با برآیند مثبت است که برای تمامی طرفین منافع بسیاری در پی دارد. بر اساس این تئوری، وجود محدودیت های تجاری مثل تعرفه یا سهمیه بندی واردات، باعث تخصیص نا کارآمد منابع و از بین رفتن منافع تجارت آزاد می شود. به عبارت دیگر، وجود سیستم حمایت از صنایع جایگزین واردات (IS)، منابع از جمله سرمایه های خارجی را از تولید کالاهای صادراتی به سمت تولید کالاهای حمایت شده و جایگزین واردات سوق می دهد. به لحاظ نظری این امر باعث می شود که:

- منابع از جمله سرمایه های خارجی در صنایعی متمرکز گردند که کشور میزبان در آن صنایع مزیت نسبی ندارد. این مشکل در کشورهای در حال توسعه حادث تر است؛ زیرا صنایع جایگزین واردات در کشورهای در حال توسعه معمولاً سرمایه بر می باشند، در حالی که بیشتر این کشورها دارای مزیت فراوانی نیروی کار ارزان قیمت هستند.
- تمرکز منابع از جمله FDI در این صنایع به تخصیص نا کارآمد منابع می انجامد.

1-Borensztein et al.

2-Alfaro et.al

3-Balasubramanyam et.al

4- Bhagwati

5-Export Promotion

6-Import Substitution

- صنایعی که کشور میزبان در آن مزیت نسبی نداشته باشد، بیش از آن که از عوامل و نهاده های داخلی در فرایند تولید استفاده کنند، از عوامل و نهاده های خارجی استفاده خواهند کرد. این امر به تخصیص سود تولید به عوامل خارجی منجر می شود. همه ی این عوامل به عدم برخورداری از منافع بالقوه ی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و کند شدن روند رشد اقتصادی می انجامد (بگواتی^۱، ۱۹۷۳؛ برچر و دیاز-آلجاندرو^۲، ۱۹۷۷). هم چنین بر اساس تئوری تجارت بین الملل، وجود محیط تجاری آزاد از طریق رشد بهره وری نیروی کار، به افزایش سرمایه ی انسانی منجر می شود (سالواتوره و هچر^۳، ۱۹۹۱). با توجه به این که وجود یک سطح آستانه ای از سرمایه ی انسانی، برای ایجاد رشد اقتصادی توسط سرمایه گذاری مستقیم خارجی ضروری است (بن حبیب و اسپیگل^۴، ۱۹۹۲؛ برونزتین و همکاران، ۱۹۹۸)، وجود محیط تجاری باز از طریق ایجاد بهبود در موجودی سرمایه ی انسانی کشور میزبان نیز شرایط را برای تأثیر مثبت FDI بر رشد اقتصادی مساعدتر می کند. بنابراین تجارت خارجی علاوه بر تأثیرات مستقیمی که بر درآمد کشورها دارد باعث تقویت اثر بسیاری از متغیرهای دیگر از جمله FDI نیز می شود. وجود محیط اقتصادی توأم با رقابت و به دور از انحرافات و اختلالات، مهم ترین عامل در بهره گیری بیشتر از FDI است. تجارت خارجی با ایجاد رقابت و کاهش انحرافات اقتصادی باعث تقویت اثرات سرریز FDI بر اقتصاد کشور میزبان می شود (سازمان تجارت جهانی^۵، ۱۹۹۸).

البته در طرف دیگر قضیه نیز شرایطی برای وجود برآیند مثبت تجارت آزاد و برخورداری همه ی کشورها از مزایای آن وجود دارد که عدم تحقق آن شرایط در عمل موجب انحراف تجارت آزاد از مسیر طبیعی خود و در نتیجه بروز شکاف میان کشورها و ایجاد محدودیت برای کشورهای ضعیف و در حال توسعه و حتی بدتر شدن وضعیت اقتصادی آن ها با گسترش تجارت آزاد می شود؛ نظیر عملکرد نامطلوب نهادهای بین المللی مربوط به گسترش تجارت آزاد و جهانی شدن اقتصاد، خود تنظیم شونده نبودن بازارها، طراحی غیر منصفانه و یک سویه قواعد بازی در تجارت جهانی به نفع کشورهای

1-Bhagwati

2-Brecher and Diaz_Alejandro

3-Salvatore and Hetcher

4-Benhabib & Spiegel

5-WTO

صنعتی و اعمال نفوذ کشورهای قدرتمند و... و در نهایت شکل گیری جهان نامتقارن که مورد تأکید اقتصاددانانی نظیر میردال، آمارتیا سن و استیگلیتز بوده است (رک: لشکری، ۱۳۸۸ و میردال، ۱۹۵۷).

۲-۳- پیشینه ی تحقیق

با وجود این که در سال های اخیر مطالعات بسیاری در زمینه ی تأثیر FDI بر رشد و هم چنین تأثیر آزادی تجاری بر FDI انجام یافته است، تعداد مطالعاتی که این دو اثر را به طور هم زمان مورد بررسی قرار داده اند، ناچیز است. در این بخش تعدادی از مطالعات موجود در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد.

بالاسوبرامانیام و همکاران^۱ (۱۹۸۹، ۱۹۶۹) با استفاده از یک تابع تولید که در آن نیروی کار، سرمایه، FDI و صادرات کشور میزبان به عنوان نهاده های تولید تلقی شده اند، به آزمون فرضیه ی بگواتی در ۴۶ کشور در حال توسعه پرداخته اند. در این مطالعه ابتدا کشورها از لحاظ رژیم تجاری حاکم، به دو دسته ی کشورها با رژیم تجاری توسعه ی صادرات (EP) و کشورها با رژیم جایگزینی واردات (IS) تقسیم شده اند؛ سپس تابع تولید برای هر دسته از کشورها در فاصله ی سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ به روش اثرات ثابت تخمین زده شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان دهنده ی این است که در کشورهای EP ضریب FDI در تابع تولید مثبت و معنی دار است؛ در حالی که در کشورهای IS این ضریب معنی دار نمی باشد. هم چنین ضریب FDI در کشورهای EP نسبت به کشورهای IS بزرگ تر بوده و فرضیه ی بگواتی را تأیید می کند.

مارینو^۲ (۲۰۰۰) در یک مطالعه ی بین کشوری نشان داده است که کشورهای EP هم در جذب FDI و هم در استفاده ی بهینه از منابع FDI جذب شده، بهتر از کشورهای IS عمل می کنند. در این مطالعه ابتدا معادله ی FDI که در آن تجارت خارجی یک متغیر توضیحی می باشد، تخمین زده شده است. نتایج این تخمین نشان دهنده ی وجود رابطه ای مثبت بین جریان FDI و میزان آزادی تجارت کشور میزبان

1-Balasubramanyam et al.

2-Marino

می باشد. در مرحله‌ی بعد، با تخمین یک تابع تولید که در آن FDI یک نهاده تلقی شده است، ضرایب به دست آمده برای FDI در کشورهای EP و IS مقایسه و این نتیجه حاصل شده که ضریب FDI در کشورهای EP بزرگ تر می باشد.

سیلوستیادو و بالاسوبرامانیام^۱ (۲۰۰۰) به بررسی تأثیر رژیم تجاری کشور میزبان بر میزان جذب و اثر بخشی FDI پرداخته اند. در این مطالعه از تعاریف مختلفی برای تعیین درجه‌ی آزادی تجاری کشورها استفاده شده و در تمامی تعاریف این نتیجه حاصل شده است که میزان جذب و اثرگذاری مثبت FDI در کشورهای EP بیش از کشورهای IS می باشد.

بورنزیستین وهمکاران^۲ (۱۹۹۵) ومکی وسامووارو^۳ (۲۰۰۳) با استفاده از مدل رشد درونزا و با به کارگیری روش معادلات همزمان به ظاهر نامرتبط (SUR) به آزمون فرضیه بگوآتی در ۶۶ کشور در حال توسعه پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که با افزایش میزان تجارت خارجی در کشورهای در حال توسعه تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی افزایش می یابد.

کوه پای بن^۴ (۲۰۰۳) به بررسی تأثیر هم زمان FDI و آزادی تجاری بر رشد اقتصادی در کشور تایلند پرداخته است. نتایج تخمین معادله‌ی رشد نشان دهنده‌ی این است که با افزایش آزادی تجاری، میزان تأثیر FDI بر رشد افزایش می یابد. این نتایج فرضیه‌ی بگوآتی را در مورد کشور تایلند تأیید می کند.

منصوری^۵ (۲۰۰۵) مطالعه‌ی انجام یافته‌ی کوه پای بن (۲۰۰۳) را برای کشور مراکش تکرار و فرضیه بگوآتی را برای این کشور تأیید کرده است.

کرباسی وهمکاران^۶ (۲۰۰۵) فرضیه‌ی بگوآتی رادرمیان کشورهای در حال توسعه آزمون و براساس نتایج به دست آمده این فرضیه را تأیید کرده اند.

1- Silvestiadou & Balasubramanyam

2-Borensztein et al.

3-Makee & Somwaru

4- Kohpaiboon

5-Mansoury

6-Karbasi et al.

نورزاد^۱(۲۰۰۸) به بررسی تأثیر آزادی تجاری بر کارایی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ۴۶ کشور در حال توسعه و توسعه یافته در فاصله ی سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ پرداخته و فرضیه ی بگواتی را مورد تأیید قرار داده است.

از میان مطالعات داخلی، ملکی (۱۳۸۲) به بررسی اثرمتداخل سرمایه گذاری مستقیم خارجی و آزادسازی تجاری بر رشداقتصادی کشورهای ایران، مالزی، ونزوئلا، نیجریه و سنگاپور پرداخته و به این نتیجه رسیده است که افزایش میزان مبادلات تجاری این کشورها باعث افزایش اثربخشی FDI بر رشد اقتصادی می شود. هم چنین کازرونی و سجودی(۱۳۸۷) با استفاده از روش های سری زمانی، فرضیه ی بگواتی را در ایران مورد تأیید قرار داده اند.

۳- روش اجرای تحقیق

۳-۱- ارائه ی مدل

در این مطالعه برای بررسی اثر متداخل FDI و سیاست تجاری بر رشد اقتصادی، از مدل کوه پای بن(۲۰۰۳) و نورزاد(۲۰۰۸) که از یک تابع تولید نمایی به صورت زیر به دست آمده استفاده می شود:

(۱)

$$Y = AL^{\alpha_1} K^{\alpha_2}$$

به گونه ای که:

Y: سطح تولید ناخالص داخلی

L: نیروی کار

K: موجودی سرمایه

A: بهره وری کل عوامل

α_i : کشش تولیدی نهاده ی α_i

تابع تولید فوق را به شکل لگاریتم- خطی زیر می توانیم بنویسیم:

$$\ln Y = \ln A + \alpha_1 \ln L + \alpha_2 \ln K \quad (2)$$

به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان از

جمله لیپسی^۱(۲۰۰۱) اثر FDI بر رشد اقتصادی از طریق انتقال تکنولوژی و ایجاد

اثرات سرریز و در نتیجه افزایش بهره وری کل عوامل (A) انجام می پذیرد. بر اساس فرضیه‌ی بگواتی این اثر شدیداً به رژیم تجاری کشور میزبان وابسته است و با افزایش حجم تجارت خارجی کشور میزبان این اثر نیز تقویت می شود. بنابراین، رشد بهره وری کل عوامل به FDI و نیز اثر متداخل FDI و تجارت خارجی وابسته است. در نتیجه می‌توانیم معادله‌ی بهره وری کل عوامل را مطابق با مطالعات فرومپونگ و فوسو^۲ (۲۰۰۶) و نورزاد^۳ (۲۰۰۸) به صورت زیر بنویسیم:

$$\ln A = f(FDI, FOP) \quad (3)$$

به گونه ای که:

$$FOP = FDI \times OP$$

با جایگزینی معادله‌ی ۳ در معادله‌ی ۱ خواهیم داشت:

$$(4)$$

$$\ln Y = \alpha_0 + \alpha_1 \ln L + \alpha_2 \ln K + \alpha_3 FDI + \alpha_4 FDI * OP$$

برای به دست آوردن اثر کل FDI بر رشد اقتصادی (dY/Y) از رابطه‌ی فوق نسبت به

FDI مشتق می گیریم:

$$\frac{\partial \ln Y}{\partial FDI} = \alpha_3 + \alpha_4 OP \quad (5)$$

حال اگر از رابطه‌ی (۱۶) نسبت به OP مشتق بگیریم:

$$(6)$$

$$\frac{\left(\frac{\partial \ln Y}{\partial FDI}\right)}{\partial OP} = \alpha_4$$

بنابراین ضریب α_4 نشان می دهد که با افزایش آزادی تجاری اثر FDI بر رشد اقتصادی چگونه تغییر می کند. با توجه به رابطه‌ی (۴) فرم لگاریتم- خطی زیرر ابه عنوان مدل نهایی مطالعه در نظر خواهیم گرفت:

$$\ln Y_{it} = \alpha_0 + \eta_i + \gamma_t + \alpha_1 \ln L_{it} + \alpha_2 \ln K_{it} + \alpha_3 FDI_{it} + \alpha_4 FOP_{it} + U_{it} \quad (7)$$

به گونه ای که:

Y: تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه‌ی سال ۲۰۰۰

1- Lipsey
2- Frimpong & Fosu
3- Nourzad

L: کل نیروی کار

K: تشکیل سرمایه ی ثابت به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰

FDI: نسبت جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به GDP

η_i : اثر ثابت مختص گروه

γ_t : اثر ثابت مختص سال

OP: درجه ی آزادی یا باز بودن تجاری می باشند، برای اندازه گیری درجه ی آزادی تجاری معیارهای مختلفی را می توان به کار برد که در این مطالعه از نسبت تجارت خارجی (مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات) به GDP استفاده می شود.

۳-۲- داده ها و روش تحلیل تجربی

داده های مورد استفاده در این مطالعه از دو منبع عمده جمع آوری شده است. داده های مربوط به سرمایه گذاری مستقیم خارجی از گزارش های سازمان توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) و سایر داده ها از گزارش شاخص های توسعه ی سال ۲۰۱۰ بانک جهانی گردآوری شده است. محدوده ی زمانی مطالعه سال های ۱۹۹۱-۲۰۰۹ می باشد. نمونه ی آماری این مطالعه ۳۴ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی است که آمار آن ها قابل دسترسی بوده است. برای تخمین مدل از رهیافت داده های تابلویی^۱ استفاده کرده ایم. برای تخمین الگو در رهیافت داده های تلفیقی یا همان پنل دیتا سه روش متفاوت می توان به کار برد:

- ۱- تجمیع داده ها^۲: در این حالت فرض بر این است که زیرگروه ها (در این جا کشورها) همگن هستند و ضرایب و عرض از مبدأ تخمین زده شده برای تمامی آن ها یکسان است.
- ۲- اثرات ثابت^۳: در این روش برای هر زیرگروه یک عرض از مبدأ متفاوت در نظر گرفته می شود و فرض بر این است که این عرض از مبدأ یک عدد ثابت است.
- ۳- اثرات تصادفی^۱: در این روش برای هر زیرگروه یک عرض از مبدأ متفاوت در نظر گرفته می شود و فرض بر این است که این عرض از مبدأ یک جزء تصادفی است.

1-Panel Data

2-Pooling

3-Fixed effect

بنابراین، قبل از تخمین الگوی پنل دیتا، دو آزمون برای تعیین روش تخمین بایستی انجام گیرد، آزمون اثرات گروه که روش تجمیع داده ها را با روش اثرات ثابت مقایسه می کند و فرضیه صفر آن همگن بودن تمامی زیر گروه ها و بهینه بودن روش تجمیع داده ها در مقابل روش اثرات ثابت است. آزمون دوم به آزمون هاسمن مشهور، و فرضیه صفر آن عدم وجود همبستگی بین اثرات تصادفی گروه ها و متغیرهای توضیحی است که در صورت تأیید آن روش اثرات تصادفی به روش اثرات ثابت ترجیح داده می شود. هم چنین با توجه به این که دوره‌ی زمانی مطالعه نسبتاً طولانی است، پیش از تخمین الگو برای اطمینان از عدم وجود رگرسیون کاذب، آزمون ریشه واحد نیز بایستی انجام گیرد.

۳- یافته های تحقیق

نتایج آزمون اثرات گروه در جدول شماره‌ی سه گزارش شده و نشان دهنده‌ی رد فرضیه صفر و تأیید روش اثرات ثابت است. هم چنین نتایج آزمون هاسمن در جدول شماره‌ی چهار ارائه شده که نشان دهنده‌ی رد فرضیه صفر و تأیید اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی است. پس از تعیین روش تخمین، در جدول شماره‌ی پنج نتایج آزمون ریشه واحد پسران و شاین (۲۰۰۳)^۲ ارائه شده و نشان دهنده‌ی رد فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد و ایستایی کلیه متغیرها در سطح است.

پس از آزمون ریشه واحد، الگوی شماره‌ی ۷ در جدول شماره‌ی شش تخمین زده شده است. همان گونه که مشاهده می شود ضریب متغیر LnL مثبت و معنی دار است. هم چنین ضریب Lnk نیز مثبت و معنی دار و مجموع این دو ضریب کوچک تر از یک است که نشان دهنده‌ی بازدهی نزولی به مقیاس در کشورهای نمونه می باشد. ضریب نسبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی به GDP منفی و غیر معنی دار است، اما ضریب FOP مثبت و معنی دار می باشد. این نتایج تأیید کننده‌ی فرضیه بگواتی در میان کشورهای نمونه است. به عبارت دیگر این نتایج نشان می دهد که FDI در کنار فواید بالقوه، می تواند مضراتی چون جانشینی محصولات خارجی به جای محصولات ملی و محدودیت تولید و صادرات ملی نیز داشته باشد که تأثیر منفی FDI بر GDP نشان

1-Random effect

2-IPesaran-Shin (2003),

دهنده ی این امر است. با وجود این، فواید ناشی از FDI با گسترش سطح تجارت کشور مقصد افزایش می یابد و کشورها با تجارت خارجی بالاتر دارای توانایی بیشتری در بهره گیری از سرمایه های خارجی می باشند. بنابراین در میان کشورهای اسلامی، کشورهایی که از لحاظ محیط تجاری به طورنسبی از شرایط مناسب تری برخوردار می باشند از منافع سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشتر منتفع می شوند. مقدار آماره ی R^2 در نتایج به دست آمده برابر با ۰/۸۴ بوده و نشان دهنده ی قدرت توضیح دهی نسبتاً بالای متغیرهای مستقل الگو است. هم چنین آماره ی دوربین واتسون برابر ۲/۰۸ می باشد که نشان دهنده ی عدم وجود خود همبستگی سریالی در اجزای خطا است. در پایان برای اطمینان از عدم وجود ناهمسانی واریانس در اجزای خطا با استفاده از آماره ی آزمون والد در جدول شماره ی هفت، آزمون همسانی واریانس انجام یافته و در نتایج به دست آمده، مقادیر آماره ی کای-دو بسیارکم (۱/۵) بوده و نشان دهنده ی عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین اجزاء خطاست. هم چنین نتایج آزمون تشخیص هم خطی به روش تحلیل حساسیت، نشان دهنده ی غیرمحمتمل بودن مشکل هم خطی در نتایج است.

۴- جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به یافته های تحقیق می توان نتیجه گیری کرد که افزایش مبادلات تجاری و از میان برداشتن عوامل مختل کننده ی تجارت خارجی می تواند درافزایش کارایی FDI در کشورهای اسلامی مفید باشد. توجه به این نکته ضروری است که بر اساس مبانی نظری وجود محیط آزاد تجاری علاوه بر تقویت اثر FDI بر رشد اقتصادی، منافع بسیار دیگری را نیز به همراه دارد که می تواند در رهایی کشورهای اسلامی از دام توسعه نیافتگی تأثیرگذار باشد. بر همین اساس ارتقای سطح مبادلات تجاری باعث رشد بهره وری، دستیابی به بازارهای جهانی و تکنولوژی روز جهان و هم چنین بهبود در موجودی سرمایه ی انسانی کشورها می شود. لیکن با وجود این در عمل، کشورهای اسلامی نتوانسته اند سهم شایسته ای از جریان تجارت جهانی را به خود اختصاص دهند. به گزارش بانک جهانی سهم صادرات کشورهای اسلامی از صادرات کل جهان در سال ۲۰۰۹ تنها ۶ درصد و از واردات کل تنها ۵/۵ درصد بوده است. این آمار با توجه به جمعیت و منابع در اختیار این کشورها بسیار پایین است و جای این سؤال را باز می کند که چه شرایطی در تجارت اقتصاد جهانی موجب شده است که کشورهای اسلامی

نتوانند سهم منصفانه‌ی خود را از مزایای تجارت جهانی و به تبع آن از FDI ببرند. نیل به پاسخ این سؤال مهم مستلزم نگاه عمیق تر و دقیق تر به واقعیت روند عملکرد اقتصاد جهانی و زیر ساخت های نهادی آن است. در حقیقت آن چه - علی رغم مبانی نظری - در واقعیت جریان دارد، اقتصاد سرمایه داری است - با قواعد بازی و ابزارهای خاص خود نظیر نهادهای پولی و مالی بین الملل تحت نفوذ آن - که متفاوت از تجارت آزاد به لحاظ نظری است. به تعبیر استیگلیتز آن چه در عمل جریان دارد جهانی نا متقارن است که حاصل قواعد بازی طراحی شده از سوی کشورهای صنعتی برای منافع خاص خود و بدون لحاظ کردن منافع کشورهای در حال توسعه است نتیجه‌ی آن ایجاد محدودیت برای کشورهای در حال توسعه در دسترسی آسان به بازار به منظور برخورداری از منافع گسترش تجارت جهانی است. هم چنین به تعبیر وی این شکاف و عدم تقارن با گسترش تجارت بیشتر می شود. در حقیقت امروزه در عرصه‌ی اقتصاد و تجارت جهانی بازار ها خود تنظیم شونده نیستند و با وجود گسترش تجارت و آزادی بیشتر تجارت بین المللی در کنار فعالیت آزادانه‌ی شرکت های فرا ملیتی حق انتخاب چندانی برای کشورهای در حال توسعه باقی نمانده است.

نتایج به دست آمده از این مطالعه در قالب پیشنهادهای زیر قابل جمع بندی

می‌باشند:

- با توجه به مشکلات اقتصادی فراوان پیش روی کشورهای اسلامی از جمله بی کاری و تورم، سیاست‌های طرف عرضه از جمله جذب FDI در خروج این کشورها از رکورد تورمی می‌تواند مؤثر واقع شود.

- اگرچه جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی باید از اولویتهای برنامه‌های اقتصادی این کشورها باشد، نباید فراموش کرد که جذب این سرمایه ها نمی‌تواند به تنهایی عامل ایجاد رشد اقتصادی باشد. اثر FDI بر رشد اقتصادی شدیداً به رژیم تجاری حاکم وابسته است. به نظر می‌رسد رویکرد بلند مدت و تدریجی گسترش تجارت آزاد در شرایط جهانی اقتصاد سالم، یکسان، مناسب برای همه‌ی کشورها - به دور از یک جانبه گرایی - و بهره گیری از چارچوب اتحادیه های اقتصادی در کوتاه و میان مدت می تواند درافزایش اثربخشی FDI بر رشد اقتصادی مؤثر واقع شود.

- از آن جا که کشورهای اسلامی علی رغم برخورداری از پتانسیل های بالای طبیعی و انسانی، به دلایل تاریخی-عموماً به واسطه ی استعمار خارجی و ضعف های داخلی- در حال حاضر توانایی تحت تأثیر قرار دادن بازارهای پولی، مالی و قیمت های جهانی کالاها و منابع را ندارند، به همین دلیل به نظر می رسد که در شرایط فعلی تنها راه پیش روی آنان-به عنوان بهینه ی دوم- برای رهایی از پیرو بودن در اقتصاد جهانی، مولکولی شدن در قالب اتحادیه های اقتصادی(پولی، مالی و تجاری) است. این اقدام علاوه بر تقویت اقتصاد یکایک آن ها در یک محیط سالم و برابر و درچارچوب همگرایی اقتصادی بین آن ها و استفاده از بازارها و سرمایه های یک دیگر، در جهت افزایش قدرت چانه زنی آنان برای سهم بزرگتر از مزایای اقتصاد جهانی - در رقابت با کشورهای صنعتی مسلط- مفید خواهد بود. هم چنین در این صورت تصمیم گیران و کارگزاران اقتصادی جهان به لحاظ بازارگسترده تر پیش روی چنین اتحادیه هایی رغبت بیشتری به هدایت سرمایه گذاری های خارجی(FDI) به این کشورها خواهند داشت. بدیهی است که کشورهای اسلامی به لحاظ ایدئولوژیک انگیزه ی قوی تری برای چنین اقدامی در میان مدت و تلاش برای تغییر قواعد بازی اقتصاد جهانی در بلند مدت خواهند داشت.

- البته نباید فراموش کرد که اثرگذاری FDI بر رشد اقتصادی تنها به نوع رژیم تجاری کشورها وابسته نمی باشد. بلکه برای نیل به هدف، سایر الزامات داخلی نظیر توسعه ی سیستم مالی، تربیت نیروی انسانی کارآمد، ارتقاء سطح بهره وری و به ویژه رفع نابرابری های اقتصادی -به عنوان پیش نیاز ایجاد همبستگی ملی و تشکیل سرمایه ی اجتماعی- نیز ضرورت دارد ..

جدول شماره ی دو - کشورهای موجود در نمونه

ردیف	نام کشور	ردیف	نام کشور
۱	آلبانی	۱۸	مالزی
۲	الجزایر	۱۹	اردن
۳	موزامبیک	۲۰	گامبیا
۴	چاد	۲۱	موریتانی
۵	کومور	۲۲	گابن
۶	ترکیه	۲۳	تونس
۷	گینه	۲۴	قزاقستان
۸	تانزانیا	۲۵	نیجریه
۹	مصر	۲۶	یمن
۱۰	کامرون	۲۷	توگو
۱۱	سیرالئون	۲۸	سوریه
۱۲	بنین	۲۹	لبنان
۱۳	ایران	۳۰	سنگال
۱۴	اتیوپی	۳۱	مراکش
۱۵	پاکستان	۳۲	اندونزی
۱۶	اوگاندا	۳۳	گینه بیسائو
۱۷	بنگلادش	۳۴	مالی

جدول شماره ی سه - نتیجه آزمون اثرات گروه

نتیجه	آماره ی F	فرضیه ی صفر
رد فرضیه ی صفر	۱۴۱/۵۶	همگن بودن کشورها

جدول شماره ی چهار - نتیجه ی آزمون هاسمن (اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی)

آماره ی (χ^2)	۴۹/۳۱
Prob.	۰/۰۰۰

جدول شماره ی پنج - نتیجه ی آزمون ریشه واحد

مقدار بحرانی T=۱۹ N=۳۴	آماره ی آزمون		متغیر
	دو وقفه	یک وقفه	
-۱/۷۸	۲/۷۲	۲/۷۱	LnY
-۱/۷۸	۲/۹۴	۳/۰۸	LnL
-۱/۷۸	۱۱/۲۵	۱۱/۶۹	LnK
-۱/۷۸	۲/۳۳	۱/۹۶	FDI
-۱/۷۸	۱/۸۷	۱/۸۳	FOP

جدول شماره ی شش - نتیجه ی تخمین مدل شماره ی هفت

Prob.	t-Statistic	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰	۶/۴۴	۰/۲۲	LnL
۰/۰۰۰	۴/۷۴	۰/۶۳	LnK
۰/۲۵۸	-۱/۱۰	-۰/۰۹	FDI
۰/۰۲۲	۲/۳۰	۰/۰۵۱	FOP
ضریب تعیین	آماره دوربین واتسون	آماره F (Prob.)	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۸۴	۲/۰۸	(۰/۰۰۰)۶۳	۰/۸۱

جدول ۷- آزمون ناهمسانی واریانس برای

Prob.	مقدار (χ^2)
۰/۴۴۵	۱/۵

۴- منابع:

- Alfaro, L., A. Chanda, S. Kalemli-Ozcan and S. Sayek (2004), «FDI and Economic Growth: The Role of Local Financial Markets», *Journal of International Economics*, Vol.64, Issue1, pp.89-112.
- Balasubramanyam, V.N., Salisu and D.Sapsford(1996) «Foreign Direct Investment and Growth in Ep and Is Countries», *The Economic Journal*, V.106, Issu 434, pp.92-105.
- Balasubramanyam, V.N., Salisu and D.Sapsford (1999) «Foreign Direct Investment as an Engine of Growth» , *The Journal of International Trade and Economic Development*, V.8, Issu 1, pp.27-40.
- Balasubramanyam, V.N.(2001) «New Horizons and Policy Challenges for Foreign Direct Investment in the 21st Century», *OECD Global Forum on on International Investment*, 26-27 November, MexicoCity.
- Benhabib, Jess and Mark Spiegel(1992) «The Roles of Human Capital in Economic Development: Evidence from Aggregate Cross-Country Data», *Journal of Monetary Economic*, V.34, October, pp.143-173.
- Bhagwati, J N.(1973) *The Theory of Immiserizing Growth: Further Applications*, In M. Connolly and A. Swoboda (eds.), *International Trade and Money*, University of Toronto Press, Toronto:45-54.
- Bhagwati, J N. (1985) *Investing Abroad*, *Lancaster University Press*, Lancaster.
- Blomstorm, M., Kokko, A. and M. Zegan (1994), Host Country Competition and Technology Transfer by Multinationals, *Welt Wirts Chattliches Archiv*, Band 130, pp.521-533.
- Blomstorm, Magnus & Air Kokko(2003), Human Capital and Inward FDI, *EUS Working Paper Series*, No. 167.

- Borenstein, Eduardo, De Gregorio, Jose and Jong-Wha Lee(1998)«How Does Foreign Investment Affect Economic Growth?», **International Economics**, Vol.45,pp.115-135.
- Borenstein, Eduardo, De Gregorio, Jose and Jong-Wha Lee(1995)«How Does Foreign Investment Affect Economic Growth?», **International Economics**, V.45,pp.115-135.
- Brecher, R.A. and Diaz-Alejandro, C.F.(1977)«Tariffs, Foreign Capital and Immiserizing Growth», **Journal of International Economics**,V.3, pp.317-322.
- Caves, R.E.(1974)«Multinational Corporatioys, Competitior and Productivity in Host Country Markets», **Economica**, Vol. 41, pp. 93-176.
- Chenery, H.B and A.M Strout (1966)« Foreign Assistance and Economic Review», New York: **American Economic Association**, Vol. 56, Issue 4, pp. 179- 773.
- Chow, Ying- Foon and Jinli Zeng (2001)« Foreign Capital in a Neaclassical Model of Growth», **Applied Economics Letters**, Vol, 8, pp. 613- 615.
- Frimpong, J. Magnus and Eric Fosu (2006) Bounds Testing Approach: an Examination of Foreign Direct Investment, Trade and Growth Relationships, **MPRA Paper**, No. 352.
- Halward, M .(2001), Openness, Firms and Competition, **World Bank**.
- Karbasi, Alireza, Mohamadi, Ebrahim and Samane Ghofrani(2005), **Economic research Foorum**, 12th Annual Conference, 19th-21st December.
- Kazerooni, Alireza and Sakineh Sojoodi(2008)« The Interactive Impact of Foreign Direct Investment and Trade Openness on Economic Growth of Iran», **Political-Economic Information**, No.256.
- Katrak, H. (1985)« Imported Technology, Enterprise Size and R&D in a Newly Industrialising Country: The Indian Experience», **Oxford Bulletin of Economics and Statistics**, August, pp. 213-229.
- Kohpiboon, Archanun(2003) «Foreign Trade Regimes and the FDI Growth Nexus: A Case Stuary of Thailand», **Journal of Development Studies**,Vol 5, pp. 78-93
- Langdon, Steven.(1981) **Multinational Corporation in the Political Economy on Kenya**, New York: St. Martins Press.

- Lashgari, Alireza(2009) *Trade and Inequality in the Context of Globalization*, Research Areas of Hozeh and Daneshgah, Qom.
- Makee, Shiva and Agapi Somwaru(2003),Impact of Foreign Direct Investment and Trade on Economic Growth, *The World Bank*.
- Maleki, Mehran(2003) *Effects of foreign direct investment on economic growth with emphasis on the Petroleum Exporting Countries*, MS Thesis, Tarbiat Modarres University.
- Mansouri, Brahim(2005)«The Interactive Impact of FDI and Trade Openness on Economic Growth: Evidence from Morocco», **Economic Research Forum**, 12thAnnual Conference, 19th -21December, Egypt.
- Marino, Andrea(2000) *The Impact of FDI on Developing Countries Growth: Trade Policy Matters*, ISTAT(National Institute of Statistics), Italy.
- Nourzad, Farrokh (2008)« Openness and the Efficiency of FDI: A Panel Stochastic Production Frontier Study», *International Advances in Economic Research*, Springer, vol. 14(1), pages 25-35.
- Ramos, Arturo(2001) *Foreign Direct Investment as Catalyst for Human Capital Accumulation*, Submitted in Fulfilment of the MALD Thesis Requirement, Fletcher school,Tufts University, Boston.
- Romer P.(1986)«Increasing returns and long run growth» *Journal of Political Economy*, V.94, pp. 1002–1037.
- Salvatore, D. and Hatcher, T.(1991)«Inward Oriented and Outward Oriented Trade Strategies», *Journal of Development Studies*, V.27, pp.7-25.
- Silvestriadou, Kyraki, Balasubramanyam,V.N.(2000)«Trade Policy, Foreign Direct Investment and Convergence», *Review of Development Economics*, V.4,Issu 3, pp.279-297.
- Solow, R. S. (1957)«Technical Change and the Aggregate Production Function», *Review of Economics and Statistics*, Vol. 39, pp. 312-320.
- Taylor, L. (1994)«Gap Models», *Journal of Development Economics*, Vol. 45, pp. 17- 34.
- UNCTAD(2010) *World Investment Report*, Promoting Linkages (United Nations, New York).

- World Bank(2008)*World Development Indicators*.
- WTO(World Trade Organization)(1998) *Synthesis Paper on the Relationship of Trade and Competition Policy to Development*, Wt/WGTCP /W/ 80.